

نویسنده با تار و پود این جاده‌ها زمانی به زیبایی قالی ایرانی ساخته و پرداخته است. از زاویه مردم‌شناسی نیز «جاده جنگ» ارتباط عمیق میان چند فرهنگ همسایه را از طریق این جاده‌ها، این جنگ‌ها و این عشق‌ها به مخاطب نشان داده است.

شده است. سفر امام رضا(ع) به مشهد موجب گسترش و تثبیت مرزهای جغرافیایی محبت به اهل بیت(ع) و تشیع و تشکیل پایگاهی بی‌پدیل برای اسلام در دل آسیای میانه شد و برکات روزافزونی برای ما ایرانیان نیز به ارمغان آورد. تمدن اسلامی و شهرهای مهم ما بر اساس زیارت پایه ریزی شده‌اند. مکه، مدینه، کربلا، نجف، مشهد و قم از مهمترین شهرهای زیارتی جهانند. کشور ما به طور میانگین یکی از پرسفرترین کشورهای جهان است. از زیبایی‌های مسأله زیارت وجود تنوع فرهنگی در سفرهای زیارتی است. سفر حج، سفر به عتبات عالیات، سفر به مشهد و زیارت امام رضا(ع) و زیارت امام‌زاده‌های مهم (قم، شیراز، ری و...) هر کدام به لحاظ فرهنگی حال و هوای خاص خود را دارند. یکی دیگر از خلاقیت‌های تمدنی ما ایرانیان بازتولید سفر زیارتی در فضاهای امروزی به خصوص در بعد از انقلاب اسلامی است. پدیده «راهیان نور» و زیارت قبور شهدا از این منظر قابل بررسی است.

3. سفر در فلسفه، هنر و ادبیات ما تغییر جغرافیا باعث حساس شدن شاخه‌ها و قوی شدن اندیشه‌ها شده و اینجاست که تولید فکری و هنری آغاز می‌شود. به عنوان مشت نمونه خروار به برخی از تولیدات فکر و خیال اسلامی-ایرانی تحت تأثیر سفر اشاره می‌شود: در عرفان و فلسفه، «اسفار اربعه» را داریم که در قالب سفری نمادین ارائه می‌شود. عموماً سیر و سلوک در عرفان ما به سفرهای معنوی تشبیه می‌شود. نمونه آن را در «منطق الطیر» عطار و ماجرای هفت شهر عشق و سفر سی مرغ می‌بینیم. سفرنامه‌های مختلف ادبیای ما مثل «ناصرخسرو» و «سعدی» که بیشتر مربوط به حج بوده نیز محملی برای مطرح کردن مباحث اخلاقی و اجتماعی است. سبک هندی از سفر شاعران فارسی‌گو به هند آغاز شد و نقش مهمی در نفوذ و گسترش زبان فارسی در این منطقه داشت. در فرهنگ عامه متأخر ما نیز کتابی مثل «سیاحت غرب» آقا نجفی قوچانی به سفر آخرت می‌پردازد. در میان معاصران یکی از بهترین سفرنامه‌نویس‌ها جلال آل احمد است. او با چهار کتاب سفر روس، سفر به آمریکا، سفر به ولایت عزرائیل و خسی در میقات، به قول خودش به چهار قبله مهم تمدن بشری در زمانه خود سفر می‌کند. سفرنامه‌نویسی در ادبیات انقلاب اسلامی هم یکی از ژانرهای پر مخاطب بوده است.

4. سفر در «جاده جنگ»
«جاده جنگ» یک رمان جاده‌ای است. سفر و

جابه‌جایی جغرافیایی، هم به لحاظ فرمی و هم مضمونی نقش مهمی در این رمان دارد. رمان پر است از وسایل نقلیه دوره خودش. اسب و گاری و ماشین و اتوبوس و کامیون و طیاره. توصیف برخی از این وسایل آن قدر زیباست که برخی از آن‌ها تبدیل به شخصیت شده‌اند. پیگیری مسیر جابه‌جایی جغرافیایی تک‌تک شخصیت‌ها در طول زمان رمان، این نکته را نشان می‌دهد که آدم‌های «جاده جنگ» اهل سفرند، بعضی به صورت خودجوش و دلخواه و برخی به اجبار جنگ و شرایط زمانه. اهل سفر بودن، باعث شده شخصیت‌ها توانایی‌ها و ویژگی‌های منحصر به فردی داشته باشند. همه آدم‌ها دل در گرو جاده‌ها دارند. سیدرضا شریفی، اسب‌سوار و تیرانداز خوبی است. مدتی در نوجوانی شاگرد محمدکیهان شوفر بوده است و در رانندگی هم قهار است. گل‌مراد هم اسب‌سوار و تیرانداز بی‌نظیری است. او رئیس جوان یک ایل است و به همین خاطر زندگی در حال حرکتی دارد. سرکار عالی به دختری تاجیکی است که به قهر زمانه سر از ارتش روس‌ها درآورده و مشتاق زیارت امام رضا(ع) است. محمدکیهان راننده کامیونی است که بینالودی‌ها همیشه منتظر آنند. گروه‌بان رحمانف ترکمن هم راننده پتروویچ است. حتی کربلایی عارف، راهدار پیر جاده بینالود است و سراپا عاشق این جاده است. در میان شخصیت‌های دیگر قصه، تیمور با آن اسب اصیل ترکمنش (شیرنگ) دائماً در طول جغرافیای رمان مانور می‌دهد. سرگرد پتروویچ هم با هواپیما و ماشین شخصی‌اش تسلط ظاهری خودش را روی زمین و آسمان جاده به رخ می‌کشد.

از زیباترین تصویرسازی‌های رمان ماجراهای کاروان کامیون‌های ارتش روس است. کاروانی که دائماً مسیر جاده شاهرود تا عشق‌آباد را طی می‌کند و حوادث زیادی برایش اتفاق می‌افتد. حتی لوکیشن‌های رمان نیز ذیل جاده و سفر تعریف می‌شوند. روستای بینالود، پایگاه نظامی روس‌ها، کافه بینالود، ایستگاه راه‌آهن شاهرود، کافه توس، گاراژ الوند مشهد و...

جاده شاهرود-عشق‌آباد و جاده مشهد-قوچان (و دیگر جاده‌های اصلی و فرعی داستان) ستون فقرات و اسکلت رمان‌اند. نویسنده با تار و پود این جاده‌ها زمانی به زیبایی قالی ایرانی ساخته و پرداخته است. از زاویه مردم‌شناسی نیز «جاده جنگ» ارتباط عمیق میان چند فرهنگ همسایه را از طریق این جاده‌ها، این جنگ‌ها و این عشق‌ها به مخاطب نشان داده است. مرادوات تاریخی فارس و تاجیک و ترکمن و ترک. از این منظر، جاده جنگ اثری است چندفرهنگی، منطقه‌ای و جهانی.

جاده جنگ، خاطرات قدیمی را زنده می‌کند

سیگار گرگان و کتری نیکولایی

تصویرسازی: محمود آزاد نیا

رمان «جاده جنگ» با توصیفات ریز و جزئی‌اش، جا به جا، از زندگی شهری و روستایی و خاطرات نظامی و غیرنظامی ایران هفتاد سال پیش یاد کرده است. دورانی که داستان پنج جلد اول -یا شاید بشود گفت فصل نخست- از دوره احتمالاً بیست جلدی رمان، در آن ایام رقم می‌خورد. به بهانه جاده جنگ، پای توضیحات بعضی از قدیمی‌ها درباره بعضی از این خاطرات نشستیم.

تانک روسی از سلاح‌های سنگین روس‌ها در جنگ جهانی بود. همین کارایی تانک‌های امروز را داشت اما هم شکلیش فرق‌هایی داشت هم سیستمش. روس‌ها از چندجور تانک در جنگ جهانی استفاده کردند.



تفنگ برنو اسلحه رایج ارتش بود. در اسلحه‌سازی تهران ساخته می‌شد. اوایل دهه سی، ژ-3 وارد ارتش شد ولی برنو باز هم جای خودش را داشت. ژ-3 خشاب می‌خورد اما باید توی برنو یکی یکی تیر می‌گذاشتند و مسلحش می‌کردند. عزاده‌های توپ چرخ‌های لاستیکی شبیه چرخ‌های ماشین داشتند. برای حمل و نقل به این طرف و آن طرف، می‌بستندشان به کامیون‌ها.

هواپیماهای جنگنده روسی هم انواعی داشت. ملخی بودند و سرعشان با جت‌های امروز غیرقابل مقایسه نبود.